



تلقی خلافت در طول امامت؛ نافی انفکاک رهبری سیاسی و الگوی ایمانی

منطقا خلیفه باید مطیع کسی باشد که حکم خدا را در زمین اجرا می کند و بنابراین خلیفه نه در عرض امام، بلکه در طول امام قرار می گیرد و این چنین است که اساسا تفکیکی بین خلافت به معنای رهبری سیاسی و امامت به مثابه الگوی ایمانی وجود ندارد.

منطقا خلیفه باید مطیع کسی باشد که حکم خدا را در زمین اجرا می کند و بنابراین خلیفه نه در عرض امام، بلکه در طول امام قرار می گیرد و این چنین است که اساسا تفکیکی بین خلافت به معنای رهبری سیاسی و امامت به مثابه الگوی ایمانی وجود ندارد.

حجت الاسلام هادی زین العابدینی، مدرس جامعه المصطفی، در گفت و گو با خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)، در خصوص واقعیت ماهیت غدیر خم گفت: در نص غدیر بحث ولایت مطرح است که اساسا امامت نیز در آن نهفته شده است. پیامبر (ص) در غدیر اولویت خود را به انفس مردم مطرح می کند و می گوید، اولویت من بر نفستان از خود شما برتر است، چنان که اگر دستوری را صادر کنم، واجب است که اطاعت کنید. این مطلب چیزی جز ولایت سیاسی نیست.

وی در ادامه با اشاره به این مطلب که اولاً و بالذات در غدیر تفکیکی بین امامت و خلافت وجود نداشت و این يك اشتباه برداشتی است، گفت: بعدها که خلافت به دست عده ای دیگر افتاد، خلافت از امامت جدا شد، ولی در اصل بین این دو تفکیک و انفصالی وجود ندارد و نمی توان آن ها را از هم دیگر جدا کرد. آن جا که خلافت با قهر و غلبه از امامت جدا شد، ولایت صاحب دو بعد؛ بعد نصب الهی و بعد سیاسی و ظاهری شد.

لزوم وجود حاکم

سردبیر اتاق عربی مجمع جهانی اهل بیت (ع) تصریح کرد: امام علی (ع) در جایی می فرماید برای هر قومی، حاکمی لازم است که یا عادل است یا جائز. به قول آیت الله جوادی آملی کسی که حکومت حاکم عادل را قبول نکند، مجبور می شود به حاکم جائز ظالم پناه ببرد. از این مباحث می توان فهمید که رسول الله (ص) در روز غدیر خم برای امت حاکمی تعیین کرده است که در عین حال امام به معنای پیشوا است.

وی با تبیین این نکته که وزارت در امور اجرایی است، گفت: رسول اکرم (ص) در روز یوم الدار، خویشان خود را جمع کرد و از آن ها پرسید، چه کسی حاضر است که بعد از من وصی، جانشین و وزیر من باشد و کسی جز علی بن ابی طالب داوطلب نشد. این ها نشان دهنده خلافت سیاسی امام علی (ع) است. ایشان به دفعات علی (ع) را به عنوان وزیر و وصی معرفی کرد و لذا امور اجرایی و ستادی نبی اکرم (ص) نیز بر عهده ایشان بود.

عدم انفکاک ولایت ایمانی از ولایت سیاسی

مدیر گروه مطالعه و برنامه ریزی شورای عالی حوزه های علمیه با بیان اینکه امکان این که کسی امام باشد و خلافت نداشته باشد، وجود ندارد، گفت: پیامبر صراحتاً فرمودند که هر کس من بر او ولی هستم و ولایت دارم، از این پس علی بر او ولایت دارد و از آنجا که ولایت پیامبر (ص) تک بعدی نبوده است، می توان چنین استنتاج کرد که این ولایتی که به حضرت علی (ع) منتقل شده است، نمی تواند ولایت صرف ایمانی باشد.

وی با اشاره به این قاعده که ثبوت شیء نفی ماعدا نمی کند، گفت: مهم است که بدانیم اثبات امام بودن حضرت علی (ع) نفی خلافت ایشان نیست و چون بعد از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» ای پیامبر آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ابلاغ کن» (مائده/67) آیه ای برای انتصاب خلافت حضرت علی نیامده، نمی توان گفت که آیه مذکور صرفاً اشاره به ولایت ایمانی است و ولایت سیاسی را شامل نمی شود.

وی با بیان اینکه هر چند علی (ع) به جهت این که امام و معصوم است، می بایست خلافت و حکومت وی نیز پذیرفته شود، گفت: رسول الله (ص) اولویت نفسی مردم را به علی (ع) داد، با این وجود حتی رأی ایشان نه به عنوان فصل الخطاب، بلکه به عنوان يك نفر هم دیده نشد و بالاتر از آن نه تنها در شورای سقیفه بنی ساعده از ایشان به عنوان امام و پیشوای دینی مشورت خواستند که با زور شمشیر هم از ایشان بیعت گرفتند.

حجت الاسلام زین العابدینی گفت: اگر بحث امامت دینی را بپذیریم، سؤالی که مطرح می‌شود این است که در نهایت امام باید از خلیفه اطاعت کند یا خلیفه بایستی مطیع امام باشد؟ یکی باید حاکم بر دیگری باشد و منطقاً خلیفه باید مطیع کسی که حکم خدا را در زمین اجرا می‌کند؛ باشد و در نهایت امر خلیفه در طول امام و نه در عرض وی قرار می‌گیرد.

خلافت در نگاه امام علی(ع)

وی افزود: در نظر امام علی(ع) خلافت بالمرة مذموم نیست و خلافتی قبیح است که یادآور سلطان باشد. حکایت خلافت برای ایشان مثال دنیا است که اگر وسیله‌ای برای آخرت باشد و بسیار پسندیده است، ولی اگر به آن خیره بشوی و به خاطر حب دنیا از آن استقبال کنی، دچار خسران شده‌ای. ایشان خود را شایسته خلافت می‌دانستند و در تبیین این ادعا در خطبه شقشقیه گفت، رسول الله(ص) هزار درب حکمت بر من آموخت که از هر کدام هزار درب دیگر گشوده می‌شود و کسی حکیم تر از من و طالب‌تر از من بر اصلاح امت نیست.

این استاد سطح عالی حوزه در خاتمه درباره تساهل رفتاری حضرت امیر(ع) با خلفا گفت: امیرالمومنین(ع) در این مدت محنت شدیدی را تحمل کردند تا چندپارگی و نفاق بین مردم و امت اسلامی ایجاد نشود. ایشان منتظر لحظه‌ای بودند که خود مردم بیدار شوند و ایشان را مطلق قبول کردند. ایشان در خطبه‌هایشان بیدارگری‌هایی هم انجام می‌دادند و لیکن رویکرد ایشان حفظ امنیت و یکپارچگی امت اسلامی بود.